

یک

کوانتوم، عرفان و درمان

(نظریهٔ داناک و بررسی فلسفهٔ پزشکی هومیوپاتی به وسیلهٔ آن)

دکتر مسعود ناصری



نشر مثلث



۹	بازترین پنجره
۱۱	یادداشتی بروی راست جدید
۱۳	پیش درآمد چاپ نخست
۱۹	پیش گفتار چاپ اول نشر مثلث (چاپ ششم کتاب)
۲۱	سیب، ایمان
۲۷	دفتریک، بتراز می
۳۵	دفتر دو، همان اندیشه
۴۵	دفتر سه، رسم خوشایند
۵۷	دفتر چهار، کوانتوم: نسبیّت و واقعیت
۹۹	دفتر پنج، آب، هاون
۱۲۹	دفتر شش، عرفان: نظریه داناک
۱۹۱	دفتر هفت، درمان: به سوی پزشکی داناکي-هومیوپاتی
۲۳۱	صدای آشنا
۲۳۵	منابع و مراجع
۲۳۷	فهرست نام‌ها

بیداران، نکوپنداران  
«بیرون» از پندار «من»

همه «یک» اند.

چون رود هم‌زمان در دیروز، امروز و فردا؛

بی‌زمان، چون عشق!

## بازترین پنجره

دل تاب نیاورد و سرانجام بگفت آنچه بازترین پنجره‌ها را شاید. بیرون ماندگان دیروز نیز گفتنی‌ها را می‌دانستند و همان هنگام دلی بی‌تاب شد، در نای دمید و با نی‌نامه‌اش از درد فراق نالید. نگاشتنی‌ها را بنوشت، اما هفت دفتر به سر نیامد. بیرون مانده‌ای دیگر، امروز از هفت شهر و شهر هفت می‌گوید تا به فردا برسد.

**فردا همه بیرون، همه رند و همه مست باده‌الست خواهند بود.**

**دیروز** زبانی ویژه داشت، پیام سروش را به هر گوشی نمی‌رساند و نافرمان را چون حلاج بر سر دار می‌برد. گفتار نیک را چون آب روان پیوسته بر زبان می‌راند. امروز به زبان فیزیک سخن می‌گوید و گوش آینده را شایسته پیامش می‌داند. گفتار امروز جمله به جمله، کلمه به کلمه، حرف به حرف، ... ساده‌تر، **کوانتوم به کوانتوم** ادا می‌شود و چون موج شرودینگر بر رود زمان و به سوی **فردا** پیش می‌رود. گفتار **فردا** نیز نیک خواهد بود: کوانتوم‌ها پیوسته و «یک»!

**فردا**، در شهر پشت دریاها، در بین همگانی که یک چشم دارند، او را که دو چشم دارد بیگانه نخواهند دانست. آنجا، می‌دانند که یزدان در آفرینش دو چشم به انسان دهش فرموده است. می‌دانند که آمده‌اند تا پندار نیک داشته باشند، زیبایی درد را بچشند و شادی و آرامش را در مهرورزیدن جست‌وجو کنند. آمده‌اند تا با هم باشند، کردار نیک را پاس دارند، و... ساختاری از گونه **بوز-انیشترین** داشته باشند. آمده‌اند تا چون رود بی‌زمان شوند... «یک» شوند.

مسعود ناصری

ارومیه، آذر ۷۵